



«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

آیه ۶۳

«وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»؛ و به یاد بیاورید زمانی را که ما از شما میثاق و پیمان اخذ کردیم و بالای سر شما کوه طور را برافراشتیم؛ آنچه که ما به شما دادیم را با قدرت اخذ کنید و به یاد بیاورید آنچه که در آن هست (اشاره به الواح و تورات دارد)؛ چه بسا شما اهل تقوا و پرهیزکاری شوید.

بیان اجمالی آیه

در این آیه خداوند اشاره به میثاقی می‌کند که از بنی اسرائیل گرفت؛ آن میثاق برای پذیرش تورات بود و برای عمل کردن به تورات؛ در آن موقعیت یک میثاق و پیمانی از آنها گرفت که به آن عمل کنند؛ یعنی صرف پذیرش قلبی کأنه کافی نبود. خداوند متعال کوه طور را در صحرای سینا که محل مناجات موسی بود، بر فراز آنها افراشته کرد و البته این هم یک تهدید برای نزول عذاب بود و هم یک الزام برای پذیرش تورات و عمل کردن به تورات. خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: آنچه که ما به شما دادیم، بقوة اخذ کنید. اخذ به قوت، یعنی عمل بر مبنای کتاب تورات تا در حد یک باور و اعتقاد بدون عمل باقی نماند. اینجا خداوند در واقع می‌خواهد بفرماید که همانطور که در ابتدا یا به تعبیر دیگر حدوثاً شما الواح و تورات را اخذ کردید، در ادامه هم باید به آن اخذ و عمل کنید؛ چه اینکه اخذ تورات و عمل به آن، زمینه‌ساز تقواست.

ارتباط آیه با آیات قبل

آیه ۶۲ این بود: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ». سیاق این آیه و نوع آن با آیات قبل متفاوت است. در آیات قبل، خطاب‌هایی را متوجه بنی اسرائیل کرده بود؛ در آن ابتدا فرمود «اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ» و بعد فرمود به یاد بیاورید زمانی را که این چنین و آنچنان بود؛ تا آیه ۶۱ تقریباً ده نعمت ذکر شد. این نعمت‌ها یک به یک ذکر شد و بعد ناسپاسی‌ها و ناشکری‌های بنی اسرائیل در ادامه بیان شد. در آیه ۶۲ این رشته خطابات قطع شد. در آیه ۶۳ دوباره به همان یادآوری بازگشته و می‌فرماید: «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ». خداوند اینجا به یک نعمتی اشاره می‌کند و می‌فرماید: به یاد بیاورید آن زمانی که ما درباره تورات و عمل به دستورات تورات، از شما میثاق گرفتیم. بعد هم کیفیت اخذ میثاق را در ادامه ذکر می‌کند. حالا چرا به یک باره، رشته خطاب‌ها قطع شد و دوباره به این خطاب بازگشت؟

نسبت بین نعمت‌هایی که خداوند تبارک و تعالی به بنی اسرائیل اعطا فرمود، در بعضی موارد نسبت ریشه و شاخه یا سبب و

مسبب است؛ در بعضی آیات اشاره به نعمت‌های مادی و خوراک و امثال اینها دارد؛ در بعضی آیات اشاره به نجات یافتن از ظلم و ستم فرعون و فرعونیان دارد. به هر حال بعد از ذکر آن آیات، خداوند تبارک و تعالی معیار و ملاک سعادت ابدی را بیان کرده است؛ یعنی فرمود آنچه برای ما مهم است، ایمان به مبدأ و نبوت و معاد و عمل صالح است؛ مؤلفه‌های چهارگانه سعادت ذکر شد. وقتی باز می‌گردد به بیان نعمت‌ها و دوباره آن خطاب را آغاز می‌کند، می‌فرماید: ما این دستورالعمل و نقشه راه را به شما دادیم؛ اینکه ایمان به مبدأ و عمل صالح و نبوت و معاد به عنوان معیار و ملاک و اساس در سعادت انسان ارائه شده، می‌فرماید ما این را در قالب تورات و آن پیمانی که از شما گرفتیم و از شما میثاق عمل به آن را خواستیم، ارائه کردیم؛ یعنی هم پیمان باور قلبی و هم پیمان عمل به این دستورات را گرفتیم؛ اما شما به اینها پشت کردید. لذا تناسب و ارتباط این آیه با آیات قبل از ۶۲ معلوم است؛ اینها خطاب‌هایی است به بنی‌اسرائیل که یادآور نعمت‌هاست. ولی اینکه در میانه این خطابات به یکباره رشته قطع می‌شود و اشاره به مؤلفه‌های سعادت می‌کند و دوباره برمی‌گردد به خطاب، سرّ آن همین است که ما عرض کردیم.

«والحمد لله رب العالمین»